

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ



کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

عنوان جزوه آموزشی:

آشنایی با مراجع شبه قضایی و صلاحیت آنها

مدرس دوره:

آقای دکتر غلامرضا مولابیگی

تهیه و تنظیم:

خانم فائزه شریفی علیائی

کارشناس حقوقی

دفتر ۹۳۳۱۸۰۰۱

واحد آموزش کانون دفاتر خدمات الکترونیک قضایی

بهمن ماه ۱۴۰۰

آشنایی با مراجع شبه قضایی و صلاحیت آنها

مراجع شبه قضایی = ماهیتاً مراجع اداری هستند ولی چون کار آن‌ها رسیدگی به اختلاف یا تخلف است از این جهت شبه قضایی هستند و مراجع قضایی نیستند هر چند در آنها در بعضی موارد نمایندگانی از قوه قضاییه در آنجا حضور داشته باشند. صرف حضور یک مقام قضایی در مراجع شبه قضایی، ماهیت آنها را تغییر نمی‌دهد و آنها کماکان مراجع اداری هستند. به همین منظور رسیدگی به اعتراض این آراء و مراجع، در دیوان عدالت اداری صورت می‌گیرد.

لذا مراجع شبه قضایی اولاً یک مراجع اداری هستند. ثانیاً به موجب قانون ایجاد می‌شوند. اکثراً قانونگذار به صراحت به موجب حکم قانونی خاصی ایجاد کرده است و در برخی از موارد، با توجه به اذن قانونگذار، طبق آئین نامه‌ها و دستورالعمل‌هایی که از سوی قوه مجریه صادر شده است ایجاد شده‌اند. ثالثاً در مراجع شبه قضایی به موضوع تخلف - اختلاف یا موضوع امور تشخیصی رسیدگی می‌کنند. فرض بفرمایید هیأت‌های ممیزه‌ای که در دانشگاه‌ها و وزارت علوم به منظور بحث ارتقاء رتبه اعضای هیئت علمی وجود دارد. در آنجا مراجع شبه قضایی به یک امر تشخیصی رسیدگی می‌کنند. یا هیأت‌های گزینش و امثالهم. همه‌ی این‌ها به امور تشخیصی رسیدگی می‌کنند. البته مراجع شبه قضایی مراجعی هستند اداری که به موجب قانون ایجاد می‌شوند و برای رسیدگی به تخلف یا اختلافات ایجاد می‌شوند و صلاحیت رسیدگی دارند. که آراء و تصمیمات آنها باید تحت نظارت و مراجع قضایی قرار گیرد.

انواع مراجع شبه قضایی:

۱- مراجعی که به تخلفات رسیدگی می‌نمایند. ۲- مراجعی هستند که به اختلافات رسیدگی می‌نمایند.

۳- مراجع تشخیصی

مثال‌ها: مراجعی که به تخلفات رسیدگی می‌کنند:

- مثل هیأت‌های رسیدگی به تخلفات اداری

- مثل کمیته انضباطی دانشجویان

- هیأت‌های انضباطی اعضای هیأت علمی دانشگاه ها

- کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری و ...

*مراجعی که به اختلافات رسیدگی می‌کنند:

مثل هیأت‌های حل اختلاف و تشخیص اداره ی کار

- هیأت‌های حل اختلاف مالیاتی

- کمیسیون حل اختلاف گمرکی

- کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری ها و...

لذا هیأت‌های مراجع شبه قضایی که مثل تخلفات اداری و تخلفات انتظامی هستند ملحق می‌شوند به امور کیفری. در واقع مراجع شبه قضایی کیفری هستند. و دومی‌ها شبه قضایی مدنی هستند. عمده ی مراجع شبه قضایی در این ۲ دسته قرار دارند.

یک دسته سوم هم وجود دارد که اینها را باید جزو مراجع شبه قضایی بدانیم یا خیر که محل اختلاف است. آراء هیأت عمومی دیوان عدالت اداری ، اینها را در حکم مراجع شبه قضایی دانسته است به لحاظ حقوقی. برخی از موضوعات هستند که تخلفی صورت گرفته و نه اختلافی وجود دارد بلکه باید یک مرجعی - یک هیأتی - یک کمیسیونی - یک امری را احراز نماید و تشخیص دهد مثلا کمیسیون ماده ۱۶ بنیاد شهید در آن قانون پیش‌بینی شده است که یک هیأتی - کمیسیونی وجود دارد که به احراز جانبازی اقدام می‌نماید و میزان و نوع جانبازی را تعیین می‌کند. یک امر تشخیصی است چون اختلاف یا تخلفی وجود ندارد تا به آن رسیدگی شود. بلکه می‌خواهد احراز امر جانبازی صورت گیرد.

یا هیأت‌های گزینش که از مصادیق مراجع تشخیصی هستند که صلاحیت اشخاصی که می‌خواهند در دستگاه‌های دولتی باشند را احراز می‌نمایند. یا هیأت‌های ممیزه ی ارتقاء رتبه اعضای هیأت علمی به همین ترتیب است. یعنی احراز صلاحیت می‌کنند که اشخاص می‌توانند رتبه ی دانشیاری یا استادیاری دریافت نمایند یا خیر. یا

کمیسیون های مربوط به تأمین اجتماعی در بحث کمیسیون های پزشکی - کمیسیون های پزشکی تأمین اجتماعی هم از همین مصادیق می باشند.

لذا این موارد مراجع تشخیصی هستند که تصمیمات و اقداماتی را در رابطه با صلاحیت های خودشان انجام می دهند. که این تصمیمات و اقدامات تحت نظارت قضایی به طور مثال دیوان عدالت اداری است.

آیا رفتاری که با مراجع شبه قضایی انجام می شود با اینها هم صورت می گیرد یعنی اگر در دیوان شکایتی صورت گرفت. دیوان نقض نمود تصمیمات آنها را، مجدداً برای خودشان بفرستند یا در خود دیوان طبق رسیدگی ماهیتی خود، انجام و رأی صادر نماید؟ لذا رویه ی دیوان عدالت اداری به همین شکل است. چه در مورد کمیسیون های پزشکی تأمین اجتماعی رأی هیأت عمومی صادر نمود و همچنین در هیأت های گزینش، رویه ی عملی در حال حاضر این است که این موارد را ملحق نموده است به مراجع شبه قضایی که به اختلافات و تخلفات رسیدگی می نماید و رفتاری که با اینها داشته است همان رفتار مراجع شبه قضایی دیگر است و از این جهت تفاوتی بین آنها قائل نشده است.

در بحث شکوائیه ها یا دادخواست هایی که مرتبط با مراجع شبه قضایی است ۲ گونه هستند.

شکایت در مراجع شبه قضایی است. به فرض در هیأت حل اختلاف مالیاتی، دعوایی می خواهد مطرح شود، یا در هیأت حل اختلاف مالیاتی رأی صادر شده و می خواهد نسبت به آن در دیوان عدالت اداری شکایت شود. که این ۲ مورد باید از هم تفکیک شود.

هیأت حل اختلاف اداره ی کار: مرجع شبه قضایی

به موجب ماده ۱۵۷ قانون کار، رسیدگی به اختلافات کارگر و کارفرما که ناشی از مقررات قانون کار باشد نه هر اختلافی که بین کارگر و کارفرما است. مثلاً اگر کارگر پول دستی به عنوان قرض از کارفرما گرفته است و کارفرما در صدد مطالبه آن است که این ربطی به این موضوع ندارد. یا معامله ای بین آنها صورت گرفته است، ماشینی یا ملکی خرید و فروش شده و در صدد مطالبه آن به هر شکلی هستند به این موضوع ارتباطی ندارد. (ارتباطی به مراجع شبه قضایی ندارد).

ماده ۱۵۷ قانون کار، صرفاً ناظر به اختلاف کارگر و کارفرما است و ناشی از مقررات قانون کار. یعنی میزان ساعت کاری - دستمزد - مرخصی - حق سنوات - حق بیمه - اخراج کارگر اعاده به کار کارگر - نوع قرارداد کار یا به کارگیری در شغلی که غیر از آن کاری است که کارگر به کار گرفته شده است (یعنی کاری غیر از آن کاری که در قرارداد برای کارگر تعریف شده است) و ...

مدارک موردنیاز: ادله لازم در خصوص احراز سابقه ، طبق دادرسی کار که آیین دادرسی مستقلی است و مصوبه هیأت وزیران می باشد. طبق آن ، آنچه که بر عهده ی کارگر است ، اثبات اشتغال و سابقه ی اشتغال است. کارگر اگر مدعی است چند سالی را نزد کارفرمایی کار کرده است باید ادله و مدارک مربوط به اشتغال را ارائه دهد. طبق قاعده ی «البینه علی المدعی و ...» لذا بینه ای که می خواهد ارائه نماید می تواند فیش واریزی باشد مثل فیش دریافت حقوق باشد - سوابق تأمین اجتماعی که نشان دهد که بیمه او ثبت شده ولیکن حقوق و مزایا دریافت نکرده است - زمانی هم هست که بیمه برای او رد و ثبت نشده است ولی ابلاغ و قراردادهایی دارد یا گواهی مأموریت یا حق مأموریتی دارد یا ابلاغ مأموریت دارد که نشان دهنده ی این است که او در شرکتی مشغول به کار بوده و مأموریت به او داده شده و در جایی دیگری مشغول به کار بوده است. (به مدت چند روز یا ...). این موارد دلایلی است که اثبات می نماید کارگر سابقه ی اشتغال دارد. بعد از اثبات سابقه ی اشتغال، اگر کارفرما مدعی است که حق و حقوق و مزایا کارگر را پرداخت نموده است ، بار اثباتی بر عهده ی کارفرما است که دلائل لازم را مبنی بر پرداخت ارائه دهد. اخیراً رایی از دیوان عدالت اداری صادر شده است که در گذشته کارفرمایان رسیدی ارائه می نمودند با امضاء کارگران که « ما حق و حقوق خود را از کارفرما دریافت نموده ایم» و امضاء کارگران هم در آن رسید بود ، کارگران هم مدعی بودند که در زمان شروع به کار ، برگ سفیدی به آنها داده شده است که امضاء نمایند و عنوان شده بود که این مورد هم از شرایط قراردادی است ، که کارگر امضاء و تحویل کارفرما داده است. حال کارفرما برگ سفید را پر نموده و تحویل داده است مبنی بر اینکه کارگر حق و حقوق دریافت و تسویه حساب صورت گرفته و رضایت خود را اعلام نموده و هیچ طلبی از کارفرما ندارد و کلیه ی دعاوی خود را نیز ساقط نموده است. لذا هیأت عمومی دیوان عدالت اداری در یک رأی ایجاد رویه اعلام نمود که این

موضوع قابل استناد نیست و صرف سند عادی مبنی بر تسویه حساب کارگر ، دلیل کافی نیست و حتماً باید همراه این سند و اقراری که گرفته شده است که این اقرار طریقت دارد ، نه موضوعیت. لذا صرف ارائه رسید عادی که کارفرما ارائه می دهد ، مثبت ادعای او برای پرداخت حقوق و مزایا کارگر نیست. بلکه طرق پرداخت ارائه شود مثلاً اگر طی یک چک حق و حقوق پرداخت شده است ، باید شماره چک ، چه زمانی وصول شده - توسط چه کسی وصول شده است ، استعلام و معلوم گردد. یا اگر به حساب کارگر واریز شده ، سند واریزی اعلام شود. اگر به صورت نقدی پرداخت شده است ، رسید یا شهادت شهود و... ارائه گردد. و...

لذا در صورتی که کارفرما به صورت نقدی وجه را به کارگر داده باشد و نتواند آن را اثبات نماید لذا به جهت عدم اثبات واریز حق و حقوق ، می بایست دوباره وجه واریز را انجام دهد. لذا بهتر این است که از طریق واریز به حساب کارگر یا پرداخت به صورت چک باشد.

رسیدگی به اختلافات کارگر و کارفرما ۲ مرحله هستند.

۱- هیأت تشخیص : رایی که در هیأت تشخیص صادر می شود ، ظرف مدت ۱۵ روز قابل اعتراض از ناحیه ی طرفین (کارگر - کارفرما) به هیأت های حل اختلاف اداره ی کار می باشد.

۲- هیأت حل اختلاف : مرکب از ۹ عضو می باشد .

۳ عضو نماینده کارگران ۳ عضو نماینده کارفرمایان ۳ عضو نمایندگان دولت

که نماینده ی وزارت دادگستری - وزارت کشور و نماینده قوه قضائیه که یک قاضی هم در آنجا حضور دارد. ۹ عضو تشکیل جلسه می دهند که برای رسمیت یافتن ، حضور ۷ عضو کفایت می کند و رأی را صادر می نمایند. رأی با اکثریت انشاء می شود. بعد از انشاء رأی و ابلاغ آن به طرفین ، ظرف مدت ۳ ماه از تاریخ ابلاغ قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است.

کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری: مرجع شبه قضایی

یکی از موضوعاتی که در بحث شهری و شهرسازی وجود دارد ، تخلفات ساختمانی است.

کمیسیون ماده ۱۰۰، ۲ نوع صلاحیت ذاتی دارد :

۱- بحث رسیدگی به تخلفات ساختمانی از جهت احداث بنای غیر مجاز یعنی خلاف پروانه یا بدون پروانه
۲- استفاده غیرمجاز از بنای مسکونی با کاربری تجاری است. اگر از کاربری مسکونی غیر از کاربری خود استفاده شود ، لذا کمیسیون ماده ۱۰۰ حق ورود دارد به استناد ماده ۵۵ قانون شهرداری ها (بند ۲۴) شایع ترین آن ، تخلفات ساختمانی است و مجازات هایی که پیش بینی شده است حسب مورد تعطیلی در مواردی که از کاربری غیرمجاز استفاده می شود مثلاً از کاربری مسکونی به صورت تجاری استفاده شود (تبصره بند ۲۴ ماده ۵۵ قانون شهرداری ها).

در مورد تخلفات راجع به احداث بنای غیر مجاز یعنی زائد بر پروانه یا بدون پروانه ، حسب مورد با توجه به شرایطی که در تبصره ی ۱ ماده ۱۰۰ قانون شهرداری ها وجود دارد که اگر شرایط ۳ گانه احراز شود ، یعنی اگر احراز شود که بنا بدون پروانه یا بر خلاف پروانه احداث شده است یعنی اصول شهرسازی - فنی و بهداشتی رعایت نشده است و بنا فاقد استحکام است ، حکم به جریمه صادر می شود و در برخی موارد اگر شرایط را احراز نمود مبنی بر وجود این موارد ، اگر ضرورت تخریب احراز نشود ، حکم به جریمه صادر می شود و در برخی موارد هم ، اعاده به وضع پروانه یعنی تبدیل پیلوت به مسکونی - تجاری که در این گونه موارد هم اعاده به وضع سابق یا تبدیل یک واحد به دو واحد که بدون اینکه مازاد بر پروانه احداث نموده است یعنی تبدیل یک واحد به دو واحد از این جهت خلاف پروانه ساخته شده باشد این هم از مصادیق ، اعاده به وضع سابق خواهد بود.

کمیسیون ماده دو مرحله ای است و اعضای آن عبارتند از نماینده ی قوه قضائیه ، نماینده ی وزارت کشور و شورای اسلامی شهر.

کمیسیون شامل بدوی و تجدید نظر است که هر دو هم عرض هستند که در قانون تحت عنوان بدوی و تجدیدنظر نیستند و هر دو می توانند هم بدوی رسیدگی نمایند و هم تجدید نظر پرونده های آن یکی کمیسیون که در عمل عرفاً تقسیم بندی را انجام داده اند. برخی کمیسیون بدوی و عده ای نیز کمیسیون تجدید نظر هستند که آن کمیسیونی که بدوی رسیدگی می شود بعد از اعتراض در کمیسیون تجدید نظر رسیدگی می شود.

رأی قطعی کمیسیون تجدید نظر هم ، ظرف ۳ ماه از تاریخ ابلاغ ، قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است.

کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ها :

به منظور رسیدگی به اختلافات بین شهروند و شهرداری در بحث مطالبه و وصول عوارض شهرداری توسط مودی به تشخیص شهرداری و اعتراض آن توسط شهر ، اعتراض در کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ها مطرح می شود. کمیسیون ماده ۷۷ ، ۱ مرحله‌ای است و ۳ عضو تشکیل شده است که شامل ۱ عضو نماینده قوه قضائیه - ۱ عضو نماینده ی شورای اسلامی و ۱ عضو هم وزارت کشور. حسب مورد این ۳ عضو تشخیص می دهند که این عوارضی که وصول می شود ، قانونی است یا خیر. در هر حال رائی که از کمیسیون ماده ۷۷ صادر می شود ، از ناحیه ی مالک و مودی قابل اعتراض است .

کمیسیون رسیدگی به اختلافات گمرکی: مرجع شبه قضایی

طبق ماده ۱۴۴ قانون امور گمرکی تشکیل می شود که در آنجا پیش‌بینی شده است که رسیدگی به اختلافات گمرکی در بحث ارزش آن - حقوق ورودی به غیر از جرائم مربوط به قاچاق گمرکی (به غیر از آن) - همگی در صلاحیت این کمیسیون قرار دارد. شامل کمیسیون بدوی و تجدیدنظر است که اگر مبلغ کالا از ۵۰/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال بیشتر باشد قابل تجدید نظر و اگر کمتر از آن باشد قطعی و غیر قابل تجدید نظر است در مرحله بدوی.

هیأت حل اختلاف مالیاتی : «مواد ۲۴۴-۲۵۳ و... قانون مالیات های مستقیم» مرجع شبه قضایی

طبق ماده ۲۴۴ قانون مالیات های مستقیم پیش‌بینی شده است.

این هیأت وظیفه ی رسیدگی به اختلاف بین مودی مالیاتی و ممیزین مالیاتی و در برگ تشخیص مالیاتی که صادر شده است را دارد و اگر چنانچه ممیزین مالیاتی یا اداره ی مالیاتی به طور کلی برگه تشخیص مالیاتی که صادر می کند و به مودی مالیاتی ابلاغ می کند ظرف ۳۰ روز مودی حق دارد یا از طریق اعتراض به رئیس اداره مالیاتی یا از طریق توافق و یا اگر هیچ کدام از این موارد صورت نگرفت ، از طریق اعتراض به هیأت حل اختلاف مالیاتی ، موضوع را پیگیری نماید و مهلت اعتراض به هیأت حل اختلاف مالیاتی ۳۰ روز می باشد.

رای هیأت حل اختلاف بدوی قابل اعتراض ظرف ۲۰ روز در هیأت تجدید نظر مالیاتی است. و زمانی که هیأت تجدید نظر مالیاتی رای خود را صادر و قطعی شد. حال چه به رای هیأت حل اختلاف بدوی اعتراض نمود و در هیأت تجدید نظر قطعی شد یا اینکه اعتراض نکرد و مهلت اعتراض تمام شد و در همان هیأت بدوی قطعی شد ، ظرف ۳۰ روز قابل اعتراض در شورای عالی مالیاتی است که قانون گذار در حل اختلاف مالیاتی ، ۳ مرحله را پیش بینی نموده است.

علاوه بر این ۳ مرحله که قانونگذار در هیأت حل اختلاف مالیاتی پیش بینی نموده است. یک رسیدگی فوق العاده هم در خصوص هیأت های حل اختلاف مالیاتی پیش بینی شده است و آن ماده ۲۵۱ مکرر است. در این ماده ، قانونگذار اجازه داده است که شخص در مواردی که تشخیص مالیات را ناعادلانه بداند و طرق دیگری برای اعتراض وجود ندارد و پرونده در مرجع دیگری قابل طرح نیست به وزیر اقتصاد و دارایی موضوع اعتراض خود را اعلام نماید و اگر وزیر نیز تشخیص مالیات را ناعادلانه بداند ، آن را به یک هیأتی که موضوع را رسیدگی نماید ، ارسال می نماید. البته آن هیأت مکلف به تبعیت از نظر وزیر نیست رای خود را صادر می نماید. به غیر از این مورد یک ماده ۲۱۶ وجود دارد که در بحث اختلاف عملیات های اجرائی است و در مرحله ی هیأت های حل اختلاف مالیاتی . اگر در مرحله اجراء اختلافاتی پیش آید ، بازهم در آنجا هیأت های حل اختلاف مالیاتی رسیدگی می کنند. زمانی که رای قطعی شده و به مرحله ی اجراء رسیده است ، در مرحله ی اجراء به نحوه ی اجراء اعتراض صورت گیرد ، هیأت حل اختلاف حق رسیدگی خواهد داشت.

تأمین اجتماعی : مرجع شبه قضایی

در برخی از موارد کارفرمایان به آن حق بیمه ای که تأمین اجتماعی نسبت به مطالبه ی آن اقدام می کند ، معترض هستند مثلاً عنوان می کنند که کارگاه آنها مدتی تعطیل بوده است و عدم ارسال لیست کار به جهت تعطیلی کار یا تعدیل نیرو بوده است یا در بحث قراردادهای پیمانکاری ، زمانی که حق بیمه پرداخت می شود محل اختلاف باشد. در اینگونه موارد هم طبق مواد ۴۲-۴۳-۴۴ قانون تأمین اجتماعی ، هیأت های پیش بینی

شده است که به اختلافات بین کارفرما و تأمین اجتماعی، در بحث نوع مطالبه ای که در خصوص حق بیمه دارند رسیدگی می نمایند.

این هیأت ها ۲ مرحله ای هستند هیأت بدوی هیأت تجدید نظر

رأی هیأت بدوی قابل اعتراض در هیأت تجدید نظر است و در این هیأت قاضی هم حضور دارد و به موضوع رسیدگی می کند و اگر اختلافی بین کارفرما و تأمین اجتماعی که در بحث مطالبه حق بیمه باشد رسیدگی می شود. رأی قطعی این هیأت هم قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری خواهد بود.

قاعده ی عام در مراجع شبه قضایی :

در مراجع شبه قضایی و قضایی آنچه که وجه ممیزه ی بین ۲ است، مرجع آنهاست نه حضور قاضی مرجع قضایی و شبه قضایی هر ۲ از لحاظ ماهیتی متفاوت هستند، مرجع شبه قضایی با هر ترکیبی که باشد یک مرجع اداری است. بنابراین تصمیمات آن، قابل اعتراض در مرجع قضائی است و تحت کنترل و نظارت قضایی است مثلاً قیومیت اداری در بحث مراجع شبه قضایی اعمال می شود ولی در مرجع قضایی چنین چیزی وجود ندارد. در مرجع قضایی آنچه قابل اعتراض است آراء مراجع قضایی در مراحل بعدی عالی قابل رسیدگی است ولی با همان ماهیت. یعنی دادگاه بدوی ماهیت قضایی - دادگاه تجدید نظر ماهیت قضایی و دیوان عالی کشور هم همین طور ولی در بحث مراجع شبه قضایی چون ماهیت اداری دارند حتماً باید تحت کنترل یک مرجع قضایی باشند. و این یک قاعده ی کلی است که تمیز دهنده ی مراجع قضایی و شبه قضایی است.

مراجع قضایی وابسته به قوه قضائیه هستند ولی مراجع شبه قضایی (اداری) اینگونه نیستند که لزوماً وابسته به قوه قضائیه باشد ولی مراجع شبه قضایی که در داخل قوه قضائیه باشد هم داریم مثل هیأت رسیدگی به تخلفات اداری ولی اینها در واقع کار قضایی به آن شکل که در اصول قانون اساسی پیش بینی شده است، نیست و عزل و نصب - انتصاب و... هیچ کدام از آن طریقی که برای مراجع قضایی و قاضی پیش بینی شده است، نیست.

همه مردم مراجع شبه قضایی باید تحت کنترل مراجع قضایی قرار گیرند. اعتراض به آراء مراجع شبه قضایی حسب مورد بررسی می شود و اینگونه نیست که اعتراض همه ی مراجع شبه قضایی در دیوان عدالت اداری باشد.

صلاحیت را باید هم از طرف شاکی ، هم از طرف ، طرف شکایت - موضوع شکایت (رأی و تصمیمی که موضوع شکایت است) بررسی نمود و از نظر جهت رسیدگی که در دیوان عدالت اداری وجود دارد. از هر ۴ منظر باید صلاحیت بررسی شود که مشخص شود دعوایی که در حال ثبت است می بایست به کجا ارسال شود. فرض کنید که هیأت انتظامی نظام پزشکی مورد اعتراض قرار می گیرد رأیی را علیه پزشکی در خصوص قصور پزشکی صادر نموده است و شاکی به این رأی معترض است در این مورد دیوان عدالت صالح نیست چون هیأت انتظامی نظام پزشکی یک مرجع شبه قضایی غیردولتی است. طبق بند ب ماده ۴۰ قانون سازمان نظام پزشکی ، این موضوع در صلاحیت دادگاه تجدید نظر هر استان است. حسب مورد اینکه هر هیأت انتظامی در کدام استان و شهرستان رأی داده است ، دادگاه تجدید نظر آن استان صالح به رسیدگی است (در خصوص اعتراض آن) به جز هیأت عالی پزشکی ، از آنجایی که در تهران تشکیل می شود. اعتراض آن در دادگاه تجدید نظر استان تهران است. در مورد شورای نظام مهندسی (شورای انتظامی نظام مهندسی).

زمانی که رأیی صادر شده و قطعی هم شده باشد صلاحیت مرجع رسیدگی کننده کجاست ؟
شورای انتظامی نظام مهندسی یک مرجع شبه قضایی غیردولتی است.

هیأت عمومی دیوان عدالت اداری رأیی را صادر نموده است که بر اساس این رأی ، رأی شورای انتظامی نظام مهندسی قابل اعتراض در دادگاه های دادگستری نیست. از طرفی هم رأی این شورا قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری هم نیست برای اینکه یک مرجع غیر دولتی است. لذا رأیی که در شورای انتظامی نظام مهندسی صادر می شود قطعی و لازم الاجرا است. لیکن بدون کنترل و نظارت مراجع قضایی باقی می ماند.

اعتراض به رأی مراجع شبه قضایی از ناحیه اشخاص دولتی :

کمیسیون های ماده ۱۰۰ - رأی هیأت حل اختلاف اداره ی کار مثلاً کارفرما آموزش و پرورش باشد یا کمیسیون ماده ۱۰۰ به طرفیت بانک و آموزش و پرورش و وزارت بهداشت و... باشد مثلاً این ادارات و وزارتخانه ها ساختمانی ساخته اند که گفته شده که تخلفی صورت گرفته است و در کمیسیون ماده ۱۰۰ حسب مورد جریمه یا تخریب به آن داده اند و این ها می خواهند به رأی اعتراض نمایند. تا قبل از سال ۱۳۹۹ و صدور رأی وحدت رویه ۸۰۳ دیوان

عالی کشور ، صلاحیت رسیدگی به این موضوع ، در دیوان عدالت اداری نبوده است و حسب مورد در دادگستری طرح دعوا می شد. دادگستری ها در زمانی که رأی صادر می کردند ۲ جور رأی صادر می کردند یک عده استناد می کردند به این موضوع که با توجه به اینکه آراء مراجع شبه قضایی قطعی است و هدف از تشکیل مراجع شبه قضایی ، قضازدایی صورت گیرد و آن امور فنی و تخصصی در همان مراجع شبه قضایی رسیدگی شود و خاتمه یابد. هدف از تشکیل مراجع قضایی همین بوده است و گرنه اگر همان رأی مرجع شبه قضایی قرار باشد دوباره در دادگستری رسیدگی شود که نقض غرض است و اگر قرار بر این باشد که از همان اول در دادگستری رسیدگی می شود. لذا با این استدلال ، صلاحیت رسیدگی به موضوع را نمی پذیرفتند و عنوان می کردند که آراء مراجع شبه قضایی قطعی و غیر قابل اعتراض و لازم الاجراست. مگر آنچه به موجب قانون دیوان عدالت اداری در صلاحیت دیوان عدالت هست. حال اگر شاکی دولتی است و نمی تواند در دیوان عدالت اداری شکایت کند پس در صلاحیت دیوان عدالت اداری نیست و اصل هم بر این است که قابل اعتراض نباشند و قطعی باشند پس در دادگستری قابل اعتراض نیست مگر آنچه که در صلاحیت دیوان عدالت اداری است و طبق قانون دیوان عدالت اداری رسیدگی شود. لذا از خود نفی صلاحیت می کردند. یک عده دیگر استدلال می کردند که طبق اصل ۱۵۹ قانون اساسی ، این موضوعات در مرجع عام تظلم خواهی که دادگاه های دادگستری است ، قابل رسیدگی هستند. این تعارض مطرح شد و دیوان عالی کشور رأیی که صادر نمود این بود که با توجه به اطلاق که در ماده ی ۱۰ دیوان عدالت اداری وجود دارد این است که شاکی چه دستگاه های دولتی باشند و چه اشخاص غیردولتی باشند ، همه این ها ، اعتراض به آراء مراجع شبه قضایی در دیوان عدالت اداری مطرح می شود. در دیوان عدالت اداری همچنان اختلاف نظر وجود دارد ولیکن مفهوم رأی به آن اشاره دارد که اعتراض در دادگستری را نفی و صلاحیت آن را در دیوان عدالت اداری دانسته است. لذا به نظر می رسد که این رأی دیوان قابل دفاع است فرض بفرمایید که شخصی در آموزش و پرورش به عنوان کارگر ، کار می کرده است. کارگر علیه آموزش و پرورش در هیأت های حل اختلاف اداره کار شکایت کرده است. این موضوع رسیدگی و رأی به برگشت به کار کارگر و پرداخت حق السعی کارگر به میزان فلان قدر صادر شده است و لیکن کارگر به میزان حق السعی اعتراض داشته و عقیده دارد که میزان آن

بیشتر است و در دیوان عدالت اداری اعتراض خود را مطرح می نماید. کارفرما به اصل کارگر بودن ایشان اعتراض دارد و عنوان می کند که ایشان مشمول قانون کار نبوده و کار را به صورت پروژه ای انجام داده است و کارفرما هم اعتراض دارد. حال اگر بخواهیم یکی را به دیوان عدالت اداری فرستاده و دیگری را به دادگاه های دادگستری بفرستیم ، در صورت تعارض آراء چه باید کرد و به چه کیفیتی آن را حل نماییم ؟ در صورتی که بخواهیم هر ۲ را به دیوان عدالت اداری فرستاده و عمل شود باید این موضوع طبق رأی دیوان به دیوان عدالت اداری فرستاده شود در غیر این صورت تعارض آراء را نمی توان حل نمود مثلاً در مثال گفته شده اگر در دادگاه های دادگستری را به نفع کارفرما داده شود و عنوان شود که شخصی که برای او کار می کرده ، کارگر نبوده و طبق قانون کار به آن رسیدگی نمی شود چون ایشان به صورت پیمانکار و در پروژه با ایشان همکاری می کرده است ولیکن اگر در دیوان عدالت اداری ، شخص را کارگر بداند و رأی به افزایش حق السعی کارگر دهد. این ۲ تعارض از ۲ هیأت حاکمه در خصوص یک موضوع صادر شده است. حال اختلاف پیش آمده در کجا رسیدگی شود ؟

اگر بگوئیم که این تعارض را در دیوان عالی کشور مطرح کنیم ، که دیوان عالی کشور موضوعات دیوان عدالت را که رسیدگی نمی نماید. اگر بگوئیم که در دیوان عدالت اداری رسیدگی شود که دیوان عدالت اداری صلاحیت رسیدگی به آراء دادگاه های دادگستری را ندارد. نتیجه این ۲ رأی چه می شود!!!

با توجه به اینکه دیوان عدالت اداری یک مرجع قضایی است که جهت دهنده و ناظر بر امور اداری کشور است. در اینجا نمی تواند وظیفه خود را به درستی انجام دهد به این دلیل که بخشی از آن سلب صلاحیت شده است. فلذا این رأی دیوان عالی کشور مبین این امر است که همه ی آراء مراجع شبه قضایی اعم از اینکه شکایت از مرجع دولتی یا غیر دولتی باشد در صلاحیت دیوان عدالت اداری است به نظر می رسد که درست است و نتیجه اینکه با توجه به آراء که صادر شده به جز ۳ مورد که استثنا است در سایر موارد اعتراض چه از سوی مرجع دولتی چه غیر دولتی در صلاحیت دیوان عدالت اداری است و اگر موضوع ارسال شده به دیوان خلاف نظر قاضی باشد با قرار عدم صلاحیت آن را به مرجع صالح ارسال می کند.

سه مورد استثناء : هیأت انتظامی نظام پزشکی که عنوان شد اعتراض به آراء آن در صلاحیت دادگاه تجدیدنظر مرکز استان است.

شورای انتظامی نظام مهندسی ، اعتراض نه در صلاحیت دیوان و نه در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری نیز استثناء است. کمیسیون ماده ۷۷ شهرداری تک مرحله است. در اردیبهشت سال ۱۳۸۶ اختلافی صورت گرفت که بانک ملی اعتراض می کند به رأی کمیسیون ماده ۷۷ قانون شهرداری ها ، در خصوص عوارضی که توسط شهرداری وصول می شده است. در این خصوص ۲ پرونده تشکیل شده است که در دادگاه های دادگستری به ۲ دادگاه مختلف می رود. چون بانک ملی دولتی بود و شکایت کرده بود ، رسیدگی آن به دیوان عدالت اداری نیامده بود و در همان دادگاه های دادگستری تشکیل شده بود. دادگاه های دادگستری ۲ جور رأی داده بودند. یک شعبه صلاحیت خود را طبق اصل ۱۵۳ قانون اساسی پذیرفته بودند و عنوان کرده بودند که مرجع عام تظلم خواهی دادگستری است و با توجه به این موضوع که اعتراض به رأی کمیسیون ماده ۷۷ است و دیوان عدالت اداری با توجه به اینکه بانک ملی اعتراض نموده است صلاحیت ندارد لذا من دادگاه عمومی صالح به رسیدگی هستیم. یک شعبه دیگر رسیدگی ننموده بود و عنوان نموده بود که من صالح به رسیدگی نیستم چون آراء مراجع شبه قضایی قطعی و لازم الاجرا هستند و لو اینکه در صلاحیت دیوان عدالت باشد طبق مقررات دیوان عدالت اداری رسیدگی می شود و اگر هم دیوان صالح نباشد هیچ جای دیگر نمی تواند رسیدگی کند و قرار رد دعوا صادر نمود. این تعارض در دیوان عالی کشور مطرح شد و دیوان ، رأی ۶۹۹ را صادر نمود. دیوان این طور عنوان نمود که با توجه به اینکه کمیسیون ماده ۷۷ یک کمیسیون تک مرحله ای است بنابراین این موضوع در صلاحیت دادگاه های دادگستری هست چون مرجع تجدید نظری وجود ندارد بنابراین این موضوع را در دادگاه های دادگستری رسیدگی نمایند چون اعتراض از طرف یک مرجع دولتی (بانک ملی) است. در دیوان عدالت اداری قابل رسیدگی نیست. این رأی وحدت رویه به صورت خالص در خصوص کمیسیون ماده ۷۷ وجود دارد. و رأی بعدی دیوان عالی کشور که صادر شد و عنوان نمود که اعتراض به مراجع شبه قضایی اگر از ناحیه ی دولتی ها باشد در دیوان عدالت اداری قابل رسیدگی است. ممکن است بگوئیم

که آن خاص سابق است که عام لاحق شامل آن نمی شود و آن رأی وحدت رویه در جای خود می باشد و اگر اعتراض کمیسیون ماده ۷۷ از ناحیه ی دستگاه های دولتی باشد ، دادگاه های دادگستری رسیدگی می نمایند. با توجه به اینکه قانون دیوان عدالت اداری که در این رأی اخیر هیأت عمومی دیوان عالی کشور مورد استناد قرار گرفته است مصوب سال ۱۳۹۲ است و آن رأی مصوب سال ۱۳۸۶ (رأیی که دیوان عالی کشور در خصوص کمیسیون ماده ۷۷ صادر نموده است) یعنی رأی قبل از قانون بوده است و اطلاقی که قانون جدید دارد و دیوان عالی کشور از آن اطلاق استفاده نمود و رأی اخیر را صادر نموده است ظاهراً شامل مطلق مراجع شبه قضایی است. لذا هر یک از مراجع شبه قضایی که از آن اعتراض شود و اعتراض توسط دستگاه های دولتی صورت گیرد ، ظاهراً در صلاحیت دیوان عدالت اداری است.

به جز آن ۲ مورد یعنی بحث مربوط به شکایت نظام پزشکی و نظام مهندسی که اصلاً قابلیت طرح ندارد. بقیه ی موارد در صلاحیت دیوان عدالت اداری است و لو اینکه شاکی یک دستگاه دولتی باشد.

پرسش و پاسخ :

۱- در اعتراض به آراء کمیسیون منابع آب های زیرزمینی آیا نظریه کارشناس الزامی است ؟

در بحث اعتراض به آراء شبه قضایی ، داشتن نظریه ی کارشناس رسمی دادگستری الزامی نیست. در هیچ یک از اینها. آن یک دلیلی است که شاکی می خواهد ارائه دهد. اگر استناد نموده باشد به نظریه ی کارشناسی می بایست نظریه ی کارشناسی را ضمیمه کند و اگر در قسمت ادله خود ، استناد نکرده باشد نیازی به ضمیمه کردن آن نیست. چون آنچه شکات مکلف به ارائه هستند ، اگر دلیلی باشد و بخواهند استناد کنند می بایست ضمیمه شود در غیر این صورت ، خیر. در بحث اعتراض به کمیسیون چاه های فاقد پروانه هم بازهم به همین ترتیب است.

۲- کمیسیون تخلفات اداری جزو مراجع شبه قضایی محسوب می گردد؟

بله - مراجع شبه قضایی به اینگونه نیست که فقط عضو قضایی در آن حضور دارد. مرجع شبه قضایی به اعضایش نیست به نوع کار و صلاحیت های آن است. اگر به اختلاف و تخلف رسیدگی نماید مرجع شبه قضایی است و به

موجب قانون ایجاد شده باشد. لذا کمیسیون تخلفات اداری با توجه به اینکه قاضی در آن حضور ندارد، مرجع شبه قضایی است چون کار رسیدگی به تخلفات اداری را انجام می‌دهد.

۳- حضور قاضی دادگستری در مراجع شبه قضایی اجباری است؟ در برخی از موارد، بله

حسب مورد قانونگذار بیان نموده است، آن جاهایی که قاضی باید حضور یابد به عنوان نماینده قوه قضائیه مثل هیأت حل اختلاف اداره ی کار - کمیسیون ماده ۱۰۰ - کمیسیون ماده ۷۷. لذا با توجه به اینکه قاضی پیش‌بینی نموده است می‌بایست حضور یابد. مثل هیأت تشخیص مطالبات تأمین اجتماعی هیأت حل اختلاف مالیاتی در برخی موارد قانونگذار عنوان نموده است که اعم از قاضی شاغل یا بازنشسته مثل هیأت حل اختلاف مالیاتی. در برخی موارد قانونگذار عنوان نموده است که نماینده ی قوه قضائیه هر قاضی که در خصوص حضور او ابلاغ به او صورت گیرد، مکلف به حضور است. در قانون نظارت بر رفتار قضات، عدم حضور قضات را به عنوان تخلف در نظر گرفته شده است.

۴- ارتباط دادگستری و مراجع شبه قضایی فقط مختص دیوان عدالت اداری است؟ عمدتاً بله

البته از ۲ جهت دادگستری در بحث مربوطه حضور دارد در آراء مراجع شبه قضایی یکی از طریق نمایندگی هایی که دادگستری در مراجع شبه قضایی دارد مثلاً نماینده در هیأت حل اختلاف اداره کار در سراسر کشور کمیسیون ماده ۷۷ - کمیسیون ماده ۱۰۰ - یکی از اعمال اقتدارات و اختیاراتی که قوه ی قضائیه در بحث مربوط به مراجع شبه قضایی دارد همین بحث نمایندگی و حضور نمایندگی است و دومی آن نظارت بر آراء این مراجع شبه قضایی است که از طریق دیوان عدالت اداری صورت می‌گیرد و البته سومین نظارت هم از سوی سازمان بازرسی کل کشور صورت می‌گیرد که در جریان حسن انجام امور و اجرای قوانین مراجع شبه قضایی می‌تواند نظارت کند که البته این ها را بر خلاف قانون تشخیص یا سوء جریانی را در هر یک از مراجع شبه قضایی ملاحظه کرد. حسب مورد باید در صورتی که جرم است به دادرسی و اگر موضوع از مصادیق ابطال تصمیم اداری باشد که به دیوان عدالت اداری ارسال می‌شود تا دیوان آن را ابطال نماید. این اعمال حضور و نظارت دادگستری در مراجع شبه قضایی از این ۳ طریق که عنوان شد قابل طرح است.

۵- در خصوص دادخواست های تجدید نظر در مورد هیأت حل اختلاف کارگر و کارفرما ، آیا بیمه هم خواننده قرار می گیرد یا فقط کارفرما ؟ فقط کارفرما - چون اعتراض به رأی هیأت حل اختلاف اداره کار است. طرح دعوا فقط اداره کار خواهد بود و به سازمان تأمین اجتماعی ارتباطی ندارد.

۶- در آراء اداره ی کار معمولاً خواننده به این صورت درج می شود "سبز گستر شهرداری - پیمانکار یا مدیرعامل" در صورت ثبت دادخواست صدور اجرائیه ، خواننده چه کسی است شهرداری - پیمانکار یا هر ۲ ؟ اگر آن شرکتی که کارفرما است یعنی محکوم همان شخصیت کارفرما فرعی است یعنی به فرض شهرداری کار را به پیمانکار واگذار نموده است و پیمانکار ، کارگر آورده است و حق بیمه پرداخت نشده است و شاکی علیه پیمانکار اقامه ی دعوا کرده است و پیمانکار محکوم شده است ، در فرض سوال (سبز گستر شهرداری) به عنوان خواننده قرار می گیرد ولی زمانی است که کارگرهم پیمانکار را طرف دعوا قرار داده است و هم شهرداری را به این دلیل که شهرداری به عنوان کارفرمای اصلی نظارت نداشته است و ممکن است که پیمانکار رفته باشد و نبوده باشد و با توجه به ماده ۱۳ قانون کار که تکلیف کرده است که کارفرمایان باید قرارداد مقاطعه کاری را طوری تنظیم نمایند که پیمانکار مکلف باشد حقوق کارگر را رعایت نماید و اگر رعایت نکند ، مسئول شما هستید. از این طریق می شود شهرداری به عنوان کارفرمای اصلی ، اگر پیمانکار به وظایف خود در مقابل کارگر عمل ننموده باشد ، قرار گیرد.

نتیجه اینکه در بحث صدور اجرائیه تابع رأی هستیم که هیأت حل اختلاف صادر نموده است. اگر در رأی اداره کار فقط پیمانکار محکوم شده است در اجرائیه هم به طرفیت پیمانکار و اگر پیمانکار و کارفرمای اصلی باشد اجرائیه به طرفیت هر ۲ صادر می شود.

۷- مرجع اعتراض به آراء شبه قضایی و مهلت اعتراض به آراء از چه زمانی شروع می شود؟ چه کسانی می توانند به این آراء اعتراض نمایند و ویژگی های ظاهری این آراء؟

اعتراض به آراء مراجع شبه قضایی در دیوان عدالت اداری ظرف ۳ ماه از تاریخ ابلاغ طبق تبصره ۲ ماده ۱۶ قانون دیوان عدالت اداری صورت می گیرد.

اشخاص ذی نفع چه شاکی چه طرف مقابل حق اعتراض به آراء را دارند و اگر دستگاه های دولتی هم باشد یکی از طرفین به جز ۲ موردی که عنوان شد حق اعتراض دارند.

هیأت انتظامی نظام پزشکی طرفین چه دولتی چه غیر دولتی اعتراض در دادگاه تجدید نظر استان در شورای نظام مهندسی هم قابل اعتراض نیست. در باقی موارد حتی دستگاه های دولتی هم اگر طرف دعوا بوده و بخواهند اعتراض نمایند، در دیوان عدالت اداری رسیدگی می شود.

شرایط و ویژگی ها هم این است که نسبت به آراء قطعی صورت می گیرد. در صورتی که رأی قطعی نشده باشد قابلیت اعتراض ندارد مثلاً رأی در مرحله بدوی است و مهلت تجدیدنظرخواهی تمام نشده باشد و شاکی بخواهد در دیوان اعتراض خود را ثبت نماید. لذا ابتدا می بایست در مرجع تجدیدنظر رسیدگی صورت گیرد و در صورت قطعیت به دیوان عدالت اداری برای اعتراض مراجعه نماید.

❖ اگر ظرف ۳ ماه حاضر نشود می بایست عذر موجه خود را مبنی بر عدم ابلاغ رأی به صورت واقعی -

حادث شدن مرض مانع از حرکت و... اعلام نماید و مدارک ارائه دهد.

بعد اینکه در قالب دادخواست باشد. شخص ذی نفع می بایست شکایت نماید یا قائم مقام قانونی آنها، شخص ذی نفع کسی است که رأی برای او صادر شده است. بعضاً در کمیسیون های ماده ۱۰۰ می گویند کسی که مالک است باید سند مالکیت ارائه دهد که اینطور نیست کسی که رأی به اسم او در رأی آمده است کفایت می نماید یا قائم مقام قانونی او. ممکن است که شخص مالک نباشد و رأی برای او صادر شده باشد و شخص اعتراض نماید که کسی که محکوم کرده اید اصلاً مالک نیست و به من ربطی ندارد و ملک مال من نیست.

۸- در اعتراض به آراء صادره از کمیسیون‌های ماده ۱۰۰ شهرداری یا اداره کار ، گواهی ابلاغ درسیستم الزامی است و در اکثر موارد این مراجع همکاری نکرده و ادعا می نمایند که با یک رأی کپی قابل ثبت است چنانچه ارائه این اسناد یا مثلاً در معاملاتی که به صورت قولنامه‌ای است و ارائه سند مالکیت میسر نباشد آیا موجب رد درخواست در دیوان عدالت اداری می شود.

در بحث مربوط به ثبت اعتراض ها نمی توان شاکی را الزام نمود که گواهی قطعیت یا عدم قطعیت را ارائه دهد. همین که رأی را ارائه و تاریخ ابلاغ هم در رأی مشخص نیست و بعد از مشاهده تاریخ صدور ، مشخص می شود که ۳ ماه نگذشته است. لذا مسلم است که رأی مهلت اعتراض دارد ولیکن زمانی که رأی قبل از ۳ ماه صادر شده باشد و تاریخ ابلاغ مشخص نیست و شاکی بدون دلیل ابلاغیه ، کپی رأی را ارائه نماید و دلیل دیگر نداشته باشد. قابل ثبت است. اصل تأخر حادث عنوان می کند که این ابلاغ حتماً بعد از ۳ ماه بوده و مهلت آن نگذشته است. لذا دادخواست ثبت می شود. اگر طرف مقابل حسب مورد عنوان کرد که دراین تاریخ به او ابلاغ صورت نگرفته بود ، در مقام دفاع به شعبه اعلام و شعبه قرار رد صادر می نماید.

۹- ابلاغ رأی داور با اظهارنامه و ابلاغ توسط دادخواست ابلاغ رأی داور از نظر قانونی چه تفاوتی دارد ؟
در دادخواست مطالبه ی حق به صورت رسمی است. اظهارنامه ، اظهار حق به صورت رسمی است. در واقع در بحث مربوط به اظهارنامه ، صلاحیت دادخواست را نداشته و ماهیت آن را ندارد. در دادخواست ، الزام رأی داور به ابلاغ در دادگاه است که دادگاه رأی و محکوم به ابلاغ می نماید. از تاریخ ابلاغ آن ، در واقع رأی ابلاغ شده تلقی می شود. در اظهارنامه به صورت غیررسمی حق مطالبه می شود. در دادخواست در صورت صدور رأی ، ابلاغ قانونی است. ولی در اظهارنامه ، طرف مقابل مطلع می شود و ابلاغ رأی داور تلقی نمی شود تا بتوان از آن تاریخ ، اعتراض صورت گیرد. و اظهارنامه اطلاع رسانی به شخص است. لذا در اظهارنامه از آنجایی که مرجع غیررسمی است و شاید اصلاً در اظهارنامه ، به صورت خلاف واقع درج نموده باشد.

۱۰- نظر به توقیف اموال توسط واحد اجرای ثبت اسناد هر استان ، آیا یک مرجع شبه قضایی است ؟

در بحث مربوط به اجرائیه و توقیف اموال ، این موضوع ، موضوع مراجع شبه قضایی نیست اعتراض از این اجرائیه که در دادگستری رسیدگی می شود که به این موضوع کاری نداریم. اعتراض به دستور اجرائیه که یک دستور اداری است و توسط رئیس ثبت صادر شده است ، این دستور در هیأت نظارت و سپس در شورای عالی ثبت قابل اعتراض است اگر این اعتراض رسیدگی شد و هیأت نظارت ثبتی و شورای عالی ثبت رأی خود را صادر نمودند و قطعی شد. قابل اعتراض در دیوان عدالت اداری است به عنوان یک رأی مرجع شبه قضایی ولی خود توقیف و اجراء مرجع شبه قضایی نیست. یک عملیات اجرایی صورت گرفته و عملیات اجرایی در صورت اختلاف در بحث مالکیت مال توقیف شده است که در صلاحیت دادگاه های دادگستری است.

۱۱- برای دادخواست صدور اجرائیه اداره کار ارائه گواهی ابلاغ به صورت بارکد است و به صورت فیزیکی قابل رؤیت نیست چرا دادگاه از این امر مطلع نبوده و از مراجعه کننده گواهی فیزیکی میخواهند ؟

یکی از علتها این است که شاید لینک آن برقرار نیست - لذا مراکز آمار و فناوری قوه قضائیه باید با دستگاههای اجرایی هماهنگ نمایند.

۱۲- آیا صلاحیت مراجع شبه قضایی نافی صلاحیت عام مراجع قضایی است ؟

خیر. مراجع شبه قضایی صلاحیتشان خاص است - در مواردی که تردید شود که موضوع در صلاحیت شبه قضایی است یا مراجع قضایی - حکم به صلاحیت دادگستری (مراجع قضایی) اعلام می شود. در تفاوت عام و خاص. اصل با صلاحیت دادگستری است.

یک نکته وجود دارد و آن هم این است که در بحث اختلاف کارگر و کارفرما ناشی از مقررات قانون کار اصل بر صلاحیت هیأت حل اختلاف اداره ی کار است. در اینجا بحث دادگستری مطرح نیست. لذا در اینجا اصل و اماره و قرینه و ظهور را بر صلاحیت حل اختلاف اداره ی کار قرار دهیم. لذا کسانی که فکر می کنند همیشه اصل بر

صلاحیت دادگستری است ، این موضوع درست نیست و باید حسب مورد بررسی شود. لذا زمانی که تردید شود که در موضوع اختلاف کارگر و کارفرما که مثلاً اختلاف در حق بیمه - دستمزد و... در صلاحیت دادگستری است یا اداره ی کار - می بایست اصل را بر اداره ی کار بگذاریم چون این موضوع ظهور و بروز آن و صلاحیت خاص آن در اداره ی کار است ولی در زمانی که تردید شود که آیا موضوع از مصادیق اختلاف بین کارگر و کارفرماست که در صلاحیت اداره ی کار باشد و یا از مصادیق آن نیست یا در صلاحیت دادگستری باشد در این موضوع در صورت تردید عنوان می شود که در صلاحیت دادگستری است. به لحاظ اینکه اصل بر صلاحیت عام دادگستری است. باید در موضوع شک و تردید ، قائل به تفکیک شد.

رسیدگی در اداره ی کار

در صورت عدم اختلاف در مصادیق عنوان کارگر و کارفرما

رسیدگی در دادگستری

در صورت اختلاف در مصادیق عنوان کارگر و کارفرما

۱۳- اگر اختلاف در صلاحیت دادگاه دادگستری و مرجع غیر دادگستری رخ دهد شیوه ی

حل اختلاف ؟

در بحث حل اختلاف مراجع دادگستری و غیر دادگستری در خصوص صلاحیت ، قانونگذار تعیین تکلیف نموده است. در مراجع شبه قضایی طبق ماده ۲۸ قانون آئین دادرسی مدنی در صورت اختلاف با دادگستری حل اختلاف با دیوان عالی کشور است.

حل اختلاف با دیوان عالی

در بحث دادگستری با مراجع قضایی دیگر مثل دیوان عدالت اداری

کشور است. طبق ماده ۱۴ دیوان عدالت اداری

۱۴- نظریه ی صادره از کمیسیون رفع تداخلات جهاد کشاورزی موضوع ماده ۵۶ قانون مراتع ، قابل

اعتراض در دیوان عدالت اداری است ؟

خیر . این موضوع ، قانون خاص خود را دارد و قابل اعتراض طبق آن ماده واحده است و رأی صادره توسط آن مرجع طبق ماده واحده ، قابل اعتراض در دادگاه های دادگستری است.